

قانون بانک مرکزی

توازن اختیار و پاسخگویی حوزه ارز را برقرار کند

نمایندگان مجلس با تأکید بر نقش بانک مرکزی در سیاستگذاری ارزی و کنترل تورم، خواستار پیش‌بینی سازو کارهای مؤثر برای نظارت مستقیم بر عملکرد رئیس کل شدند



در اختیار ندارند. این وضعیت یک خلأ مهم در ساختار نظارت بر حکمرانی پولی و ارزی ایجاد می‌کند زیرا نهادهای که تصمیمات آن بر نرخ ارز، تورم، قدرت خرید مردم و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی اثر مستقیم دارد، باید در برابر پیامدهای تصمیمات خود نیز پاسخگو باشد.

نمایندگان مجلس با توجه به واگذاری کامل اختیارات به نهاد بانک مرکزی در قانون جدید بانک مرکزی در حوزه ارز و تورم و سیاستگذاری کامل این نهاد در حوزه سیاست‌های پولی و ارزی کشور، انتظار دارند که به صورت کامل از سوی این نهاد نیز پاسخ‌گویی در حوزه ارز و تورم با توجه به اختیارات کامل واگذار شده وجود داشته باشد.

■ مجلس ابزار نظارتی مستقیم در حوزه بانک مرکزی ندارد

احمد انار کی محمدی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به تصویب قانون جدید بانک مرکزی و اعطای کامل اختیارات در حوزه پولی و ارزی کشور به رئیس کل بانک مرکزی، خاطر نشان کرد: مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون جدید بانک مرکزی، تمامی اختیارات راهبردی در زمینه مدیریت بازار طلا، ارز و سیاست‌های پولی را در اختیار رئیس کل بانک مرکزی متمرکز کرد. این تصمیم از حیث واحد

کردن مدیریت تورم و حفظ ارزش پول ملی اتفاقاً یک اقدام کاملاً مناسب و مثبت بود، چرا که پراکندگی تصمیم‌گیری به اقتصاد آسیب می‌زد. اما نقص کار از آنجا آغاز می‌شود که به همان میزان که اختیارات به این مقام واگذار شده، سازوکار متناظر پاسخگویی به مجلس در قانون پیش‌بینی نشده است و هیچ ابزار نظارتی‌ای در اختیار مجلس برای اعمال رصد بر عملکرد این نهاد وجود ندارد. وزرای صمت، جهاد

۶۶

احمد انار کی محمدی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس:

مجلس با تصویب قانون جدید تمامی اختیارات راهبردی در زمینه مدیریت بازار طلا، ارز و سیاست‌های پولی را در اختیار رئیس کل بانک مرکزی متمرکز کرد. اما سازوکار متناظر پاسخگویی به مجلس در قانون پیش‌بینی نشده است

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۹۰۶۰۲۳۸۸۵

این زمینه روشن‌تر کند. وزیر در برابر نمایندگان مجلس پاسخگوست، در حالی که رئیس کل بانک مرکزی در همان جایگاه و با اختیارات کامل و به همان شیوه پاسخگو نمایندگان نیست. بنابراین مجلس می‌تواند سازوکار قانونی را به گونه‌ای اصلاح کند که مسئولیت سیاستگذاری با اهرم مشخص پاسخگویی همراه شود. سازوکار فعلی پاسخگویی در حوزه سیاست‌های پولی و ارزی نیازمند بررسی و اصلاح است.

■ ضرورت پاسخ‌گویی رئیس کل بانک مرکزی
محمد معتمدی‌زاده، سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به ضرورت پاسخ‌گویی رئیس کل بانک مرکزی نسبت به وضعیت ارز و تورم به مردم و نمایندگان مردم با توجه به صراحت قانون گفت: بانک مرکزی مسئولیت کنترل نرخ ارز را بر عهده دارد و باید در خصوص شرایط فعلی و نوسانات مداوم ارز پاسخگو باشد. نیازمند اعمال سیاست‌های صحیح به منظور کنترل نرخ ارز از سوی بانک مرکزی هستیم. برای تحقق این پاسخ‌گویی باید قانون اصلاح شود. باید سازوکاری اندیشیده شود که مجلس بتواند به صورت مستقیم و مؤثر بر عملکرد بانک مرکزی در زمینه کنترل نرخ ارز نظارت داشته باشد زیرا این یکی از موضوعات مهم است و به صورت مستقیم به معیشت مردم ربط دارد و اختیارات کامل در حوزه ارز و تورم به بانک مرکزی داده شده است.

■ تصمیم‌گیر اصلی مسئله ارز بانک مرکزی است
احمد مرادی، عضو کمیسیون انصری مجلس با اشاره به انتظار مجلس از بانک مرکزی در حوزه ارز و تورم گفت: در قانون جدید بانک مرکزی، تمرکز مسئولیت‌ها و قدرت تصمیم‌گیری در شخصی رئیس کل از نظر اصول مدیریتی اقدامی رو به جلو و مثبت تلقی می‌شود؛ چراکه مدیریت واحد ارزی مانع از تناقض در سیاست‌های پولی و مالی کشور می‌شود. ایراد اساسی و ساختاری قانون این است که همیای این اختیارات گسترته، هیچ سازوکار نظارتی برای پاسخگو کردن رئیس کل در برابر نمایندگان مردم تعبیه نشده است. در این شرایط نمی‌توان از وزرا توقع پاسخگویی داشت زیرا وزرای دولت اختیاری در حوزه مدیریت و تعیین سیاست‌ها و اولویت‌های ارزی و تورمی کشور ندارند. تصمیم‌گیر اصلی در مسئله ارز مشخص است و تمامی اختیارات به بانک مرکزی سپرده شده است اما مجلس اهرم قانونی برای پاسخگو کردن او ندارد و برای حل این تعارض، قانون جدید بانک مرکزی باید اصلاح شود تا رئیس کل مستقیماً به پارلمان نقش و مسئولیت وزیر را در

■ سازوکار فعلی پاسخگو حوزه سیاست‌های پولی و ارزی نیست

همچنین بهروز محبی نجم‌آبادی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با اشاره به وضعیت عدم پاسخگویی بانک مرکزی در حوزه ارز و تورم خاطر نشان کرد: پیشنهاد اصلاح قانون برای روشن‌شدن مسئولیت‌ها، پیشنهاد مناسبی است. اگر دولت برای ارائه لایحه و اصلاح قانون اقدام نکند، مجلس می‌تواند خود از مسیر اصلاح قانون وارد عمل شود و نقش و مسئولیت وزیر را در

مسئولیت سیاستگذاری پولی و ارزی کشور با اجرای قانون جدید بانک مرکزی بیش از گذشته در این نهاد متمرکز شده است و همین موضوع، ضرورت تناسب میان اختیارات تصمیم‌گیری و سازوکارهای پاسخ‌گویی را به یکی از محورهای بحث در مجلس تبدیل کرده است. با توجه به نقش مستقیم سیاست‌های بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز، کنترل تورم، حفظ ارزش پول ملی و قدرت خرید خانوارها، نمایندگان مجلس معتقدند نهادهای اختیار اصلی تصمیم‌گیری در این حوزه‌ها را بر عهده دارد، باید در برابر نتایج عملکرد خود نیز پاسخ‌گو باشد. در همین راستا، شماری از اعضای کمیسیون‌های اقتصادی، برنامه و بودجه و اصل ۹۰ مجلس با تأکید بر تمرکز اختیارات ارزی و پولی در بانک مرکزی، بر ضرورت بازنگری در سازوکارهای نظارتی قانون جدید تأکید کرده‌اند و معتقدند ابزارهای فعلی مجلس برای نظارت مستقیم بر رئیس کل این نهاد متناسب با سطح اختیارات واگذار شده نیست. از نگاه این نمایندگان، اصلاح قانون می‌تواند ضمن حفظ انسجام در تصمیم‌گیری‌های پولی و ارزی، مسیر مشخص‌تری برای پاسخ‌گویی رئیس کل بانک مرکزی در برابر نمایندگان مردم ایجاد کند و زمینه شفافیت بیشتر در مسئولیت‌پذیری درباره تحولات بازار ارز و تورم را فراهم سازد.

■ ■ ■

مسئله ارز به یکی از مسائل اصلی اقتصادی تبدیل شده است که مستقیماً با سیاست‌های پولی و ارزی اتخاذ شده از سبوی دولت رابطه مستقیم دارد و در جریان تصویب قانون جدید بانک مرکزی، تمام اختیارات و ابزارهای لازم برای اعمال سیاست‌های پولی و مالی به نهاد بانک مرکزی سپرده شده است و با توجه به این انتقال قدرت و اختیارات، پاسخگویی وضعیت ارز و تورم به صورت کامل با بانک مرکزی است.

یکی از اصول اساسی حکمرانی اقتصادی، تناسب میان میزان اختیار و مسئولیت است؛ به این معنا که هر نهادهای که اختیارات گسترده‌ای در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری دارد، باید در برابر عملکرد خود نیز پاسخگو باشد. در قانون جدید بانک مرکزی، بخش مهمی از اختیارات مرتبط با سیاست‌های پولی و ارزی کشور در اختیار بانک مرکزی و رئیس کل این نهاد قرار گرفته است، اما در مقابل، نمایندگان مجلس به‌عنوان ناظران عملکرد دستگاه‌های اجرایی، ابزارهای مستقیم و مؤثری برای بازخواست رئیس کل

تفت‌وگو یک حسام کمای

یک کارشناس اقتصادی معتقد است توسعه افقی شهرها، ساخت مسکن تک‌طبقه و عرضه هدفمند زمین، منجر به یک تحول پایدار در سیاستگذاری کشور در حوزه مسکن خواهد شد که در چارچوب راهبردی جامع همراستا با امنیت ملی، تاب‌آوری سکونتگاه‌ها، تولید اقتصادی و مدیریت منابع طبیعی نیز است. در چنین چارچوبی، مسکن دیگر صرفاً کالایی برای خریدوفروش یا سرپناهی برای سکونت نیست بلکه بخشی از زیرساخت توسعه کشور محسوب می‌شود؛ زیرساختی که می‌تواند به توزیع متوازن تر جمعیت، تقویت کسب‌وکارهای محلی و افزایش مشارکت مردم در تولید کمک کند. ■ ■ ■

امیرحسین اقبالی مسئله مسکن صرفاً به تأمین سرپناه برای خانوارها و پاسخ‌گویی به تقاضای روزافزون بازار محدود نمی‌شود، بلکه به یکی از موضوعات راهبردی در حوزه‌های امنیت ملی، پدافند غیرعامل، رشد اقتصادی، امنیت غذایی و مشارکت مستقیم مردم در تولید تبدیل شده است. الگوی توسعه شهرها، نحوه توزیع جمعیت در پهنه سرزمینی کشور، میزان تمرکز فعالیت‌های اقتصادی تأثیر مستقیم بگذارد. از این دسترسی مردم به زمین، همگی عواملی هستند که می‌توانند بر تاب‌آوری کشور و برابر بحران‌های نظامی، طبیعی و اقتصادی تأثیر مستقیم بگذارند. از این منظر، بازنگری در سیاست‌های زمین و مسکن باید با نگاهی جامع صورت گیرد؛ نگاهی که در آن خانه‌نهم‌محل استراحت و زندگی نباشد، بلکه به کانونی برای تولید، اشتغال، تأمین بخشی از نیازهای معیشتی خانواده و افزایش تاب‌آوری

جامعه تبدیل شود. افزایش قیمت زمین و مسکن، گسترش شهرهای متراکم، تمرکز فرصت‌های شغلی و خدمات در تعداد محدودی از مناطق و افزایش وابستگی خانوارها به درآمدهای نقدی، موجب شده است که بخش قابل توجهی از ظرفیت مردم برای مشارکت مستقیم در تولید به حاشیه برود. در چنین شرایطی، عرضه هدفمند زمین، توسعه افقی و اصولی شهرها و فراهم کردن امکان ساخت مسکن تک‌طبقه می‌تواند زمینه‌ساز تغییر این الگو باشد. البته این تغییر به معنای گسترش بی‌ضابطه شهرها یا ساختوساز در هر نقطه از کشور نیست بلکه هدف، حرکت به سمت الگویی از توسعه سرزمینی است که ضمن رعایت محدودیت‌های منابع آب، ظرفیت‌های زیست‌محیطی و الزامات فنی، امکان توزیع مناسب جمعیت، کاهش آسیب‌پذیری و تقویت تولید محلی را فراهم کند.

بر این اساس، سیاست توسعه افقی شهرها و ساخت مسکن تک‌طبقه باید در پیوند با یک برنامه جامع ملی برای توزیع متوازن جمعیت، ارتقای امنیت غذایی، تقویت پدافند غیرعامل و تحقق رشد اقتصادی طراحی شود. در این میان، الگوی «مسکن معیشت‌محور» می‌تواند یکی از محورهای مهم چنین برنامه‌ای باشد؛ الگویی که با فراهم کردن امکان ترکیب محل سکونت، فعالیت اقتصادی، کشاورزی، دامپروری و تولید انرژی در یک محدوده، خانواده ایرانی را از یک مصرف‌کننده صرف به مشارکت‌کننده‌های فعال در اقتصاد کشور تبدیل می‌کند.

امیرحسین اقبالی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به ضرورت توجه ویژه به توسعه افقی شهرها خاطر نشان کرد: یکی از

گفت‌وگوی «جوان» باامیرحسین اقبالی، کارشناس اقتصادی

توسعه افقی شهرها و مسکن معیشت‌محور راهبردی برای تقویت امنیت ملی است



موضوعات کلیدی در سیاستگذاری مسکن، انتخاب الگوی مناسب توسعه شهری است. در الگوی متراکم، بخش بزرگی از جمعیت در ساختمان‌های چندطبقه و در محدوده‌هایی نسبتاً محدود مستقر می‌شوند. این شیوه در برخی مناطق، به‌ویژه در شهرهایی که با محدودیت جدی زمین روبه‌رو هستند، می‌تواند مزایایی مانند کاهش هزینه توسعه زیرساخت به ازای هر واحد مسکن، تسهیل دسترسی به خدمات عمومی داشته باشد. بااین حال، اتکای بیش از اندازه به این مدل، بدون توجه به ظرفیت سرزمینی و ملاحظات امنیتی، ممکن است آسیب‌پذیری‌های جدیدی ایجاد کند.

وی ادامه داد: در مقابل، توسعه افقی برنامه‌ریزی‌شده به معنای ایجاد محله‌ها و سکونتگاه‌هایی با تراکم متناسب، ساختمان‌های کم‌ارتفاع، دسترسی مناسب به خدمات و امکان توزیع

فعالیت‌های اقتصادی در پهنه‌های مختلف است. چنین الگویی می‌تواند در صورت طراحی صحیح، تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در نقاط محدود جلوگیری کند و فرصت بیشتری برای ایجاد فضاهای باز، مسیرهای دسترسی جایگزین، زیرساخت‌های محلی و کاربری‌های ترکیبی فراهم آورد. نکته مهم آن است که توسعه افقی نباید به گسترش پراکنده و فاقد خدمات تسکونگاه‌ها منجر شود. ایجاد شهرها و محله‌های جدید بدون دسترسی به آب، برق، حمل‌ونقل، مراکز درمانی، مدارس و فرصت‌های شغلی، نه تنها مسئله مسکن را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند هزینه‌های عموماً را افزایش دهد و مشکلات تازه‌ای برای خانوارها ایجاد کند. بنابراین، توسعه افقی زمانی به یک راهبرد مؤثر تبدیل می‌شود که بر پایه مطالعات آمایش سرزمین، ظرفیت زیرساخت‌ها، دسترسی به منابع آب و نزدیکی به مراکز

تولیدی و خدماتی صورت گیرد. اقبالی با اشاره به اهمیت رویکرد دولت در زمینه اتخاذ رویکرد توسعه افقی شهرها خاطر نشان کرد: در این چارچوب، دولت باید به جای محدود کردن سیاست مسکن به ساخت واحدهای کوچک در ساختمان‌های بلندمرتبه، مجموعه‌ای از گزینه‌های متناسب با شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور را در اختیار مردم قرار دهد. در مناطق کم‌تردد، ایجاد شهرها و محله‌های جدید بدون دسترسی به آب، برق، حمل‌ونقل، مراکز درمانی، مدارس و فرصت‌های شغلی، نه تنها مسئله مسکن را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند هزینه‌های عموماً را افزایش دهد و مشکلات تازه‌ای برای خانوارها ایجاد کند. بنابراین، توسعه افقی زمانی به یک راهبرد مؤثر تبدیل می‌شود که بر پایه مطالعات آمایش سرزمین، ظرفیت زیرساخت‌ها، دسترسی به منابع آب و نزدیکی به مراکز

ایران، فاصله میان درآمد مردم و قیمت زمین و ساختمان است. در بسیاری از مناطق شهری، سهم زمین از قیمت نهایی مسکن به اندازه‌ای افزایش یافته که حتی خانوارهای درآمد ثابت نیز برای تأمین سرپناه با دشواری جدی مواجه هستند. در چنین شرایطی، حمایت از ساخت مسکن بدون توجه به مسئله زمین، نمی‌تواند به تنهایی به کاهش پایدار هزینه خانه‌دارشدن منجر شود. عرضه زمین مناسب، به‌ویژه در قالب برنامه‌های شفاف، مرحله‌بندی‌شده و متناسب با نیاز واقعی خانوارها، می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر برای کاهش هزینه اولیه ساخت مسکن باشد. هنگامی که دولت زیرساخت‌های لازم را فراهم کند و امکان دسترسی مردم به زمین را با ضوابط روشن افزایش دهد، خانوارها فرصت بیشتری برای ساخت تدریجی خانه، استفاده از پس‌اندازهای خود، مشارکت اعضای خانواده و بهره‌گیری از تسهیلات ساخت خواهند داشت. این رویکرد همچنین می‌تواند زمینه را برای مشارکت سازندگان محلی، کسب‌وکارهای کوچک، تولیدکنندگان مصالح و نیروهای فنی فراهم کند.

وی در پایان گفت: از منظر پدافند غیرعامل، هدف اصلی باید کاهش آسیب‌پذیری ناشی از تمرکز بیش از اندازه، تقویت خدمات محلی و فراهم کردن امکان تسدادم زندگی در شرایط بحران باشد. خانه‌های تک‌طبقه و کم‌ارتفاع، در مناطق مناسب و با رعایت استانداردهای مهندسی، می‌توانند یکی از گزینه‌های این رویکرد باشند؛ اما ایمنی واقعی به کیفیت طراحی، زیرساخت‌های پشتیبانی و دسترسی امدادی و برنامه‌ریزی جامع شهری وابسته است.

تفت‌وگو ۲

سید طه شاطری

در گفت‌وگوی «جوان»

با نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی مطرح شد

تنوع بخشی به تولید برق

با توسعه نیروگاه‌های خورشیدی

و زغال سنگ‌سوز

نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی معتقد است راهبرد متنوع‌سازی سبد تولید برق باید مجموعه‌ای از منابع انرژی را در بر بگیرد و بر یک گزینه خاص متکی نباشد. توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در بخش خانگی و تجاری می‌تواند بخشی از مصرف برق را در طول روز پوشش دهد و در صورت طراحی مناسب، به کاهش فشار بر شبکه کمک کند. در کنار آن، نیروگاه‌های حرارتی بزرگ‌مقیاس زغال‌سنگ‌سوز می‌توانند برق پایدار تولید کنند و بخشی از وابستگی نیروگاه‌ها به گاز طبیعی را کاهش دهند. این دورویکرد از نظر کارکرد، مکمل یکدیگرند.

■ ■ ■

یکی از چالش‌های ساختاری صنعت انرژی ایران، وابستگی بالای تولید برق به گاز طبیعی است. در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان، سبدسخت‌نیروگاه‌ها از ترکیبی از منابع مختلف مانند زغال‌سنگ، گاز طبیعی، انرژی هسته‌ای، برق‌آبی و انرژی‌های تجدیدپذیر تشکیل شده است، در ایران بخش عمده برق کشور به نیروگاه‌های گازسوز و سیکل ترکیبی وابسته است. بر اساس آمار مطرح‌شده در این زمینه، بیش از ۸۴ درصد سبد تأمین برق کشور به گاز وابستگی دارد؛ موضوعی که در کنار سهم بالای گاز در تأمین انرژی بخش خانگی و صنعتی، آسیب‌پذیری نظام انرژی کشور را افزایش داده است. زمانی که در فصل زمستان مصرف گاز خانگی و تجاری افزایش پیدا می‌کند، تأمین سوخت نیروگاه‌ها و صنایع نیز با محدودیت روبه‌رو می‌شود و این مسئله می‌تواند به بروز همزمان ناترازی گاز و برق منجر شود.

■ تنوع بخشی به سبد سوخت: راهکار پایدار کاهش ناترازی

حل پایدار ناترازی انرژی، صرفاً با افزایش تولید گاز یا توسعه ظرفیت نیروگاه‌های گازسوز امکان‌پذیر نیست زیرا تداوم آنکا به یک منبع اصلی سوخت، کشور را در برابر محدودیت‌های عرضه همان منبع آسیب‌پذیر نگه می‌دارد. از این‌رو، یکی از راهبردهای مهم در اصلاح ساختار انرژی، متنوع‌سازی منابع تولید برق و استفاده متناسب از ظرفیت‌های مختلف داخلی است. توسعه انرژی خورشیدی در بخش خانگی، افزایش بهره‌وری نیروگاه‌های موجود و ایجاد نیروگاه‌های حرارتی بزرگ‌مقیاس با سوخت زغال‌سنگ در مناطق دارای ذخایر مناسب، می‌تواند به کاهش فشار بر شبکه گاز کمک کند. چنین رویکردی به معنای کنار گذاشتن گاز طبیعی نیست، بلکه هدف آن استفاده بهینه از این منبع ارزشمند و آزادسازی بخشی از ظرفیت گاز برای مصارف خانگی، صنایع و فعالیت‌هایی است که امکان جایگزینی سوخت در آنها محدودتر است.

نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با ضرورت تنوع بخشیدن به سبد تولید انرژی و برق کشور خاطر نشان کرد: وابستگی بالای تولید برق ایران به گاز طبیعی، ضرورت بازنگری در الگوی توسعه نیروگاهی کشور را برجسته می‌کند. توسعه نیروگاه‌های زغال‌سنگ‌سوز در مناطق دارای ذخایر مناسب، به‌ویژه با مشارکت صنایع بزرگ و نهادهای سرمایه‌گذار، می‌تواند بخشی از ظرفیت معقول‌مانده کشور را فعال کند و فشار بر شبکه گاز را در دوره‌های اوج مصرف کاهش دهد. در کنار آن، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، افزایش بهره‌وری و مدیریت مصرف باید به‌عنوان بخش‌های مکمل سیاست امنیت انرژی دنبال شوند.



وی ادامه داد: صنایع بزرگ کشور از جمله فولاد، سیمان، معدن و سایر واحدهای انرژی‌بر، به تأمین پایدار برق نیاز دارند و قطعی انرژی می‌تواند تولید، بهره‌وری و تعهدات تجاری آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاری مستقیم این صنایع در توسعه نیروگاه‌های حرارتی بزرگ‌مقیاس با سوخت زغال‌سنگ می‌تواند راهکاری برای افزایش امنیت انرژی آنها باشد. صنایع به جای آنکه صرفاً مصرف‌کننده برق و گاز باشند، می‌توانند بخشی از سرمایه خود را به توسعه ظرفیت تولید انرژی اختصاص دهند و از این طریق، هم نیازهای عملیاتی خود را بهتر مدیریت کنند و هم به افزایش ظرفیت تولید برق کشور یاری برسانند. البته موفقیت این الگو به وجود قراردادهای شفاف تأمین سوخت، امکان اتصال به شبکه، چارچوب روشن خرید برق و تضمین اقتصادی پروژه‌ها وابسته است. همچنین، لازم است هزینه‌های زیست‌محیطی و مصرف آب در ازبایی اقتصادی نیروگاه‌ها لحاظ شود تا سرمایه‌گذاری انجام‌شده در بلندمدت از نظر فنی و مالی توجیه‌پذیر باقی بماند. این کارشناس انرژی با اشاره به هدایت سرمایه‌های عمومی و صنعتی به سمت تولید انرژی خاطر نشان کرد: توسعه نیروگاه‌های زغال‌سنگ‌سوز نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجه و برنامه‌ریزی بلندمدت است؛ از این‌رو، دولت، نهادهای عمومی و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی باید نقش فعالی در تأمین آن و پیشبرد این پروژه‌ها ایفا کنند. هدایت بخشی از منابع سرمایه‌گذاری به سمت نیروگاه‌های بزرگ‌مقیاس، به‌ویژه در مناطقی که به ذخایر زغال‌سنگ دسترسی دارند، می‌تواند زمینه استفاده اقتصادی از منابع داخلی و کاهش وابستگی تولید برق به گاز را فراهم کند. در این مسیر، مشارکت بخش خصوصی، تأمین مالی پروژه‌محور و استفاده از ظرفیت بازار سرمایه می‌تواند با تأمین مالی را از دوش بودجه عمومی کاهش دهد. در عین حال، حمایت دولت باید بر ایجاد زیرساخت، کاهش ریسک‌های غیرتجاری، شفافیت مقررات و تضمین اجرای تعهدات متمرکز باشد، نه جایگزینی کامل سرمایه‌گذاری خصوصی. بر این ترتیب، منابع مالی صنایع و نهادهای عمومی می‌توانند به جای تمرکز صرف بر توسعه فعالیت‌های مصرف‌کننده انرژی، به افزایش ظرفیت تولید برق و تقویت زیرساخت‌های حیاتی کشور کمک کنند. هدایتی‌فر در ادامه اظهار کرد: انرژی خورشیدی به شرایط تابش و زمان تولید وابسته است و در حالی که نیروگاه حرارتی می‌تواند با تأمین پیوسته سوخت، برق را بر اساس نیاز شبکه تولید کند. البته نیروگاه‌های زغال‌سنگ‌سوز با انتشار دی‌اکسیدکربن و آلاینده‌های هوا همراه‌اند و توسعه آنها باید با فناوری‌های کنترل آلایندگی، مدیریت پسماند و ارزیابی دقیق آثار زیست‌محیطی همراه باشد. همچنین، بهبود بهره‌وری انرژی و کاهش تلفات شبکه باید هم‌زمان با توسعه ظرفیت‌های جدید دنبال شود. وی در پایان گفت: وابستگی بیش از اندازه سبد تولید برق کشور به گاز طبیعی، یکی از عوامل تشدید ناترازی انرژی در فصل سرد سال است؛ وضعیتی که با افزایش مصرف گاز در بخش خانگی، محدودیت تأمین سوخت نیروگاه‌ها و صنایع را به دنبال دارد و زمینه‌ساز قطعی برق و گاز می‌شود. در چنین شرایطی، تنوع بخشی به سبد تولید برق از طریق توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در بخش خانگی و سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های حرارتی زغال‌سنگ‌سوز در مقیاس بزرگ، می‌تواند به یکی از محورهای راهبردی اصلاح ساختار انرژی کشور تبدیل شود.